

۷ کارنیل، بزرگترین شبکه موفقیت ایرانیان می باشد، که افرادی زیادی توانسته اند با آن به موفقیت برسند، فاطمه رتبه ۱۱ کنکور کارشناسی، محمد حسین رتبه ۶۸ کنکور کارشناسی، سپیده رتبه ۳ کنکور ارشد، مریم و همسرش راه اندازی تولیدی مانتو، امیر راه اندازی فروشگاه اینترنتی، کیوان پیوستن به تیم تراکتور سازی تبریز، میلاد پیوستن به تیم صبا، مهسا تحصیل در ایتالیا، و.... این موارد گوشه از افرادی بودند که با کارنیل به موفقیت رسیده اند، شما هم می توانید موفقیت خود را با کارنیل شروع کنید.

برای پیوستن به تیم کارنیلی های موفق روی لینک زیر کلیک کنید.

www.karnil.com

همچنین برای ورود به کانال تلگرام کارنیل روی لینک زیر کلیک کنید.

<https://telegram.me/karnil>

بررسی مقابله ای

ساخت جمله

در انگلیسی و فارسی

ترجمه و تدوین

محمد آذروش

عضو هیئت مدرسین دانشگاه جامع علمی کاربردی
مدرس طرح ضمن خدمت دبیران آموزش و پرورش

پیشگفتار

در کتاب حاضر اصول حاکم بر زبان فارسی و انگلیسی همراه با مقایسه ساخت دستوری جمله ها در فارسی و انگلیسی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته اند.

بررسی مقابله ای

CONTRASTIVE ANALYSIS

بررسی مقابله ای عبارت است از سنجش شباهت ها و تفاوت های دو زبان از جنبه های گوناگون با هدف ترجمه و تدریس آنها. این سنجش با مطالعه ی فرایندهای ساخت جمله هادر زبان های گوناگون انجام می شود . در این راستا اجزای معادل در دو زبان با یکدیگر مقایسه شده و وجوه تشابه و تفاوت آنها جهت جلوگیری از تفسیر نادرست در ترجمه به شرح زیر بررسی می شود.

Contrastive analysis deals with the similarities and the differences between two languages regarding various aspects .The study follows the goal to help the translation or the teaching of the languages .The subject is carried out through the study of the sentence formation processes in the languages. To do this, all same elements in the languages are compared to find out the similar and different aspects in order to prevent wrong interpretations in translation. The process goes on as the following.

الف – بررسی مفهوم واژگان : در این بخش واژگان معادل در دو زبان از لحاظ فرهنگ اجتماعی است بررسی می شوند .نمونه ی آن واژه ی انگلیس نشین دلالت suburb-که در فارسی بامفهوم حاشیه بر قشر فقیر جامعه داشته و در مقابل در انگلیسی معرف قشر مرفه جامعه است.

A= Word meaning: In this stage, word equivalents, regarding their social and cultural aspects are studied. Words like “suburb“implying the wealthy group of some societies are socially studied to prevent just a denotational equivalent which implies a poor group in some other societies .

ب – بررسی کاربرد واژگان : در این بخش دامنه ی عملکرد معنایی واژگان دو زبان مورد مقایسه قرار می گیرد . نمونه ی آن واژه ی بزرگ در زبان فارسی است که با دامنه ی کاربردی

گسترده در سطح گفتار گویشوران این زبان با کلمه هایی که دامنه ی کاربردی محدودتری دارند معادل می شوند.

B= Word use : In this stage, semantic functions of the words of the languages compared and contrasted are studied . As an instance , the domain of the word “ bozorg “ in Persian is compared with its English equivalents “ large ” “ big “ and “ grand “ which have a more restricted domain .

ج - بررسی کاربرد مفهومی جمله ها : موضوع این بخش تحلیل جمله هایی است که ترجمه ی اجزای آنها نشان دهنده ی مضمون آنها نباشد . در این راستا معادل مفهومی جمله هایی مانند

How many miles does your car get to a gallon ?

ماشین شما صد کیلومتر چند لیتری سوزاند ؟

مورد بررسی قرار می گیرند.

C- Sentence semantic functions: The goal that this stage follows is to analyze the sentences the translation of the components of which does not represent the current equivalent of the sentence in the second language. Here, the translation of the sentences like: “How many miles does your car get to a gallon? “are studied .

د - بررسی قواعد حاکم بر دوزبان : این بخش به مقایسه ی قوانین حاکم بر دوزبان پرداخته و مقوله ی حذف یا افزوده شدن برخی از قواعد همراه با گسترش حاکمیت برخی دیگر از آنها را بررسی که می کند . نمونه ی آن رami توان در کاربرد حرف تعریف معین آن وجود the در فارسی معادلی برای ندارد جستجو کرد.

D= Language rules: In this stage, the rules dominating the two languages are considered to study the deletion or the addition of some of them along with the expansion of their application. Article “the” in English which does not have any equivalent in Persion is a subject to study in this stage.

METHODOLOGY

ساختار جمله ها در حوزه ی زبانشناسی در سطح دو رویکرد دستور سنتی و دستور زایشی مورد مقایسه و تقابل قرار می گیرد.

The comparison and contrast of the sentence structures in linguistics is carried out in “Traditional” and “Generative” grammar .

الف – دستور سنتی : این رویکرد به تعریف اجزای کلام از جمله اسم فعل صفت قید کلمه های نقشی و معرف ها پرداخته و نقش بخش های مختلف کلام از جمله نهاد و گزاره و همچنین نوع اجزای جمله را مورد بررسی قرار می دهد . در این رویکرد شباهت ها و تفاوت های موجود در رو ساخت دو جمله به ویژه ساختار جمله ها و ساختار معرف ها مورد توجه قرار می گیرند .

A= Traditional grammar : This approach deals with the definition of the sentence components such as nouns , verbs ,adjectives ,adverbs ,etc. along with the function of subject and predicate . Contrastive analysis in this approach deals with surface structure and mainly sentence structures to focus on the similarities and differences between the sentences .

ب – دستور زایشی : مقایسه ی ساختارها در این رویکرد در سطح الگوی اولیه ی جمله که به جمله ی هسته معرف است صورت می گیرد . در این راستا و در مرحله ی نخست صورت ژرف ساخت جمله های مورد مقایسه تعیین شده و سپس مراحل اعمال گشتارها تا پیدایش رو ساخت آنها مورد مقایسه قرار می گیرند . برای این اساس قواعدی که ژرف ساخت جمله را به رو ساخت آن ارتباط می دهند مورد مقایسه قرار گرفته و عناصر جمله در رو ساخت با یکدیگر مقایسه نمی شوند . این رویکرد اساساً بر قواعدی تاکید دارد که ژرف ساخت را به رو ساختی تبدیل کرده است که از لحاظ ظاهری شباهت چندانی با ژرف ساخت آن ندارد .

B= Generative grammar : In this approach , the comparison of the sentence structures is achieved regarding the initial sentence stage , ie. deep structure .

To do so , the deep structures of the sentences compared are determined and sequentially , transformations leading to the final surface structures of sentences in both languages are compared .In other words ,the syntactic rules which lead the deep structures to the final surface structures in both languages , and not the elements in the surface structure , are compared . This approach necessarily focuses on the transformation rules that create the surface structure which may not be somehow similar to its deep structure .

مثال

The red apple is on the table. (روساخت)

The apple is on the table . The apple is red . (ژرف ساخت)

The apple which is red is on the table . (عبارت موصولي)

The apple red is on the table . (کاهش عبارت موصولي)

The red apple is on the table . (جمله ي اصلي)

انتخاب هریک از رویکردهای سنتی یا زایشی به هدف بررسی کننده بستگی دارد . در دستور سنتی بررسی کننده به تجزیه و تحلیل زبان پرداخته و بدون مراجعه به هرگونه مرجعی که خارج از حوزه ی زبان قرار داشته باشد اجزاء و الگوهای زبان را توصیف می کند در حالی که در دستور زایشی تحلیل کننده بر ارتباط میان زبان و تفکر و همچنین ارتباط میان شناخت انسان و زبان تاکید داشته و معتقد است در تحلیل زبان صرفاً " نباید بر تفاوت های موجود میان زیرسامانه های زبان از جمله نظام زبانی نظام آوایی نظام دستوری و... تاکید کرد بلکه ابزار مفاهیم مشابه نیز که در تمامی زبان ها وجود دارند باید مورد توجه و تاکید قرار گیرند .

The selection of either of the approaches depends upon the goal of the researcher . In the traditional approach , the researcher analyzes the sentences and describes the language patterns and language elements regardless of any reference out of language field . In generative grammar , on the other hand , the researcher focuses on the language - thought relations as well as the

relationship between man's cognition and language . This approach confirms that language subsystems such as phonetics and grammar should not be the mere ones under emphasis ,but other similar means to convey the meaning should be focused on , too .

ایراد های وارد شده به دستور زایشی

یکی از ایرادهای وارد شده به دستور زایشی در تحلیل زبان قواعد گشتاری است . این قواعد صرفاً" به ساختار نحوی جمله ها پرداخته و هیچگونه اطلاعاتی در مورد تعامل های صرفی و یا ارتباط های موجود میان جمله های زبان که به شکل عینی برای برقراری ارتباط به کار می روند نمی دهند. حتی نظریه ی استاندارد نیز تفاوت های ساده ی میان ساختارهای دو زبان را مشخص نکرده و به جزئیاتی از قبیل تعداد و جنس نمی پردازد.

Model of Generative Grammar : Problems

A major problem with generative grammar in contrastive analysis is with the analysis of transformation rules . These rules merely deal with the syntactic structures of sentences and represent nothing about the inflectional intractions or the interrelations among the sentences used to create a real communication . Even the " Standard Theory " does not specify the simple differences between the sentence structures of the languages and does not focus on details .

مراحل مقایسه و تقابل زیرسامانه های دو زبان

Comparison stages of the subsystems in languages :

الف - انتخاب : در این مرحله تحلیل کننده پس از مراجعه به تجربه ی شخصی و شم زبانی خود نمونه هایی از جمله های دو زبان را برای مقایسه انتخاب می کند.

A= Selection : A selection of the sentences to be compared across languages is done according to one's language intuition .

ب – توصیف : در مرحله ی دوم ساختارهای دستوری دو زبان توصیف می شوند.

B= Description : Structural rules applied to the sentences are analyzed and described .

ج – مقایسه : در این مرحله تحلیل کننده به جستجوی شباهت ها و تفاوت های دوزبان در حوزه های شکل معنی و توزیع پارامترها می پردازد . برای مثال در مقایسه ی شکل جمع اسم ها در دو زبان فارسی و انگلیسی یکی از یافته های وی حاکی از کاربرد دو تکواژ " ان " و " ها " در فارسی خواهد بود که تکواژ نخست عموماً " برای جمع بستن اسم های جاندار و تکواژ دوم برای جمع بستن کلیه ی اسم های عام و قابل شمارش به کار می رود اما در انگلیسی صرفاً " یک تکواژ در جمع های باقاعده به کار میرود.

books trees oranges

کتاب ها درختان پرتقال ها

C= The analyzer seeks for the the similarities and the differences laying in the semantic field and the distribution of the parameters as well .Regarding Persian compared with English in the form of plurals , the researcher comes the plural bound morpheme "an" (for human being) and "ha" for nonhuman

being while in English he comes to the plural morpheme "s" for all with the allophones "s" , "z" and "iz" as the preceding examples .

یافته ی دوم او در این بررسی کاربرد شکل مفرد یا جمع اسم ها پس از صفت های کمیتی جمع است که این پارامتر در فارسی با توجه به کاربرد شکل مفرد اسم ها پس از صفت های کمیتی جمع در تقابل با انگلیسی که شکل جمع اسم هارا پس از صفت های کمیتی جمع به کار می برد قرار گرفته اما اگر این صفت در فارسی بعد از اسم قرار گیرد کاربرد اسم به شکل جمع است.

Then he will come to the singular and plural form of the noun after the quantitative adjectives in which he finds all nouns singular in Persian after the quantitatives while he finds the nouns plural after these adjectives in English .He concludes that in Persian, the noun stands plural only when it stands before the quantitative adjectives.

seven windows

هفت پنجره

many books

کتاب های زیاد

د - پیش بینی : در این مرحله تحلیل کننده پس از بررسی تفاوت ها و شباهت های دو زبان پارامترهای غیرمشترک آنها را جهت شناخت تاثیر آنها بر ترجمه مورد ارزیابی قرار می دهد . در اجرای این مرحله روانشناسان رفتاری سه فرضیه را مطرح می کنند.

D= Prediction :Having noted the similarities and the differences,the analyzer

notes the unshared parameters in the languages and studies their influences in translation . In this stage , behaviorists set forth three hypotheses :

فرضیه ی تحلیل مقابله ای قاطع :روانشناسی رفتاری معتقد است در فرایند یادگیری اصل انتقال در دو سطح فراگیری و تاثیر فراگیری فعال بوده و دو نمایه دارد : مثبت و منفی. انتقال مثبت هنگامی روی می دهد که فراگیری زبان دوم همانند فراگیری زبان اول باشد . در این حالت سادگی در فرایند یادگیری به شخص کمک می کند تا آموخته های خود در فراگیری زبان اول را به سهولت در فراگیری زبان دوم به کارگیرد . در مقابل انتقال منفی با تداخل تفاوت های میان دو زبان مشکلاتی را در فراگیری زبان دوم پدید می آورد که حجم آن به میزان تفاوت های موجود میان آن دو زبان بستگی دارد . واکنش فراگیرنده ی زبان دوم بر مبنای اصل انتقال در یادگیری بر این اساس کاربرد پارامترهایی از زبان مادری به جای آن دسته از پارامترهایی است که در زبان دوم وجود ندارند .

)- Strong version of the Contrastive Analysis Hypothesis : Behaviorists

believe that in learning process , the principle of transfer is at work in the levels of learning and the effect of learning . The principle has two aspects: positive and negative . Positive transfer takes place when learning the second language is the same as learning the first language where the simplicity of the learning process helps the learner to make use of his previous knowledge of his first language in learning the second language . Negative transfer , on the other hand , brings about difficulties as a result of the interference of the differences between the languages . These difficulties are dependent upon the existing differences between the languages . According to the principle of learning , the learner's reaction depends on the substitution of the parameters which do not exist in the first language . (eg.the substitution of "k" for "kh" in English)

فرضیه ی تحلیل مقابله ای ضعیف : گروهی دیگر از نظریه پردازان در حوزه ی روانشناسی رفتاری ضمن رد نظریه ی دخالت اصل انتقال در فرایند یادگیری زبان خارجی براین باور هستند که تبدیل تفاوت های دو زبان به وجوه مشترک میان آنها (برای نمونه جایگزینی ت به جایی در فارسی) به دلیل عدم فراگیری و در نتیجه ناتوانی شخص در کاربرد آنها بوده و ربطی به عملکرد اصل انتقال در یادگیری ندارد. براین اساس آنان پارامترهای زبان مادری در فراگیری زبان خارجی را نه یک عامل دخالت کننده بلکه یک عامل یاری کننده به شمار می آورند.

۲- Weak version of the Contrastive Analysis Hypothesis : Rejecting the interference of the principle of transfer in learning , a group of behaviorists believe that the conversion of the differences into the similarities (eg. “k” for “kh” in English) is the reason of the learner’s failure to use them and is not relevant to the function of the principle of transfer in learning . Thus :

This group of psychologists consider the first language parameters as a help in learning the language and not an interference .

فرضیه ی تحلیل مقابله ای ملایم : این فرضیه به پیش بینی خطاهای فراگیرنده ی زبان پرداخته و با در نظر گرفتن جایگزینی پارامترهای زبان مبدا در زبان مقصد - برای نمونه واج ت - به جای عملکرد اصل محرک تعمیم دهنده در فراگیرنده را که مطابق با آن دانسته های قبلی فراگیرنده در یادگیری زبان دوم تعمیم پیدا می کنند را مطرح می کند. این فرضیه معتقد است طبقه بندی الگوهای انتزاعی و عینی بر مبنای شباهت ها و تفاوت های آنها اساس یادگیری است و براین اساس هر زمان که تفاوت میان معناها یا صورت ها کم باشد رویداد ناهنجاری در فرایند یادگیری بدیهی خواهد بود.

در مقابل هرگاه الگوهای موجود در دو نظام زبانی از لحاظ نقش و یا قابلیت ادراک با یکدیگر معادل باشند در آن صورت تعمیم صحیح روی خواهد داد. برای مثال اشتباهات یک فارسی زبان در استفاده از آن دسته از الگوهای نظام زبانی انگلیسی که هیچ سنخیتی با الگوهای نظام زبانی فارسی ندارند بسیار کمتر از اشتباهات او در استفاده از الگوهای مشابه موجود میان دو زبان است که این امر تعمیم الگوهای نظام زبان فارسی در زبان انگلیسی در این حوزه را توجیه می کند.

۳- Moderate version of the Contrastive Analysis : This hypothesis notes the prediction of the errors made by the learner . Considering the substitution of the parameters existing in the first language , it sets forth the principle of stimulus generalization in which the previous knowledge of the learner in the

first language extends in learning the second language . This hypothesis states that learning is based upon the categorization of the abstract and concrete patterns and thus whenever the the differences between the meanings or the forms are not many , the occurrence of the mistake will be rare .On the other hand whenever the patterns in a two language systems are similar in function ,then correct generalization takes place .As an instance to explain the generalization of Persian patterns in English , the errors made by a Persian native speaker using the English patterns with no similarities , are fewer than the errors made when the patterns are similar.

ه - تایید : در این مرحله تحلیل کننده یافته های خود را با واقعیت مطابقت می دهد تا مطمئن شود که آیا فراگیرنده ی زبان دوم خطاهای پیش بینی شده توسط او را در عمل انجام می دهد یا خیر. در این راستا انجام یک آزمایش در مراحل زیر ضروری خواهد بود.

E= Verification : The researcher here adapts his findings with the language realities to see if the learner commits the errors predicted by him or not .To do so , the following test is inevitable :

مرحله ی صفر : انتخاب صداها و واژگان و ساختارهایی که در دوزبان شبیه هم هستند در این مرحله انجام می شود . با عملکرد اصل انتقال مثبت فراگیرنده در یادگیری عناصر زبان دوم با مشکلی در این مرحله مواجه نخواهد بود.

Level ♦ – Some similar sounds , words and structures are selected . The learner comes to no problems in learning the elements of the second language as the positive transfer is working .

مثال واجی وجود صدای /b/ در هر دوزبان

مثال واژگانی: دیوار wall

مرحله ي یک : هم نشست دو يا چند واژه با یکدیگر در زبان مبدا که فقط یک معادل واژگانی در دایره ي واژگان زبان مقصد دارند : در این مرحله فراگیرنده باید این تفاوت را در زبان مبدا مورد توجه قرار دهد.

Level \ – Coalescence : Two or more items in the native language converge into one item in the target language . The learner has to overlook the distinction he has learned in his native language .

مثال : دانشجو . دانش آموز student
 عموزاده . عمه زاده . خاله زاده . دایی زاده cousin

مرحله ي دو – زیر تفاوت های توزیعی : یک توزیع در زبان مبدا رایج است که در زبان مقصد وجود ندارد و فراگیرنده نباید به آن توجه کند . به عنوان مثال برای واژگانی مانند "مگر" و "چندمین" معادلی در انگلیسی یافت نمی شود.

Level ۲ – Underdifferentiation : The equivalence of an item in the native language is absent in the foreign language .As an instance ,for the Persian words “chandomin” and “magar” there are no equivalents in English .

مرحله ي سه – تفسیر مجدد : یک توزیع در هر دو زبان مبدا و مقصد وجود دارد که فقط گاهی اوقات با یکدیگر معادل می شوند و فراگیرنده آن را بر اساس شباهت ها ي دو زبان در زبان مقصد تعمیم میدهد . توزیع زمان حال استمراری در پاره اي موارد نمونه اي از این تفسیر است.

Level ۳ – Reinterpretation : An item which exists in the native and the target language .Sometimes they are equivalents , but other times they are not , as the following examples :

We have come to school today.

ما امروز به مدرسه آمده ایم.

We are sitting in the class now.

ما الان در کلاس نشسته ایم.

مرحله ي چهار – تفاوت بیش از حد : یک توزیع در زبان مقصد وجود دارد که در زبان مبدا وجود ندارد و فراگیرنده باید آن را یاد بگیرد . نمونه ي آن زمان حال کامل استمراري در انگلیسي است که ساختار معادل آن در فارسي وجود ندارد .

Level ۴ – Overdifferentiation : An item in the foreign language is absent in the native language and the learner must learn them .The English structure of “future in the past “ and “•” in Persian phonology stand in this category .

مرحله ي پنج – شکافت : براي یک توزیع در زبان مبدا دو یا چند توزیع در زبان مقصد وجود دارد . نمونه ي آن توزیع دوزمان حال ساده و حال استمراري در زبان انگلیسي (به عنوان زبان مقصد) و توزیع یک زمان مضارع اخباري در زبان فارسي (به عنوان زبان مبدا) در حوزه ي دستوري و همچنین هم نشست چند واژه ي انگلیسي در مقابل یک واژه ي فارسي در حوزه ي واژگاني است .

Level ۵ – Split : An item in the native language diverges into two or more items in the target language and the learner must learn their distinction .For instance , as the following examples prove , the distinction between “ the simple present tense “ and “ present continuous tense “ should be noted by the learner .

Where are you going ? I’m going to school. داري كجا مي روي؟ مدرسه مي روم.

Where do you go every week? I go to the park. هر هفته كجاي مي روي؟ پارک مي روم.

رئيس : chief , boss , director , chancellor , chairman , principal

مقایسه ي ساختارهاي نحوی

Comparison of the Syntactic Structures

ساختارهاي نحوي به ابزارهايي از زبان اشاره مي کنند که صورت دستوري جمله را به صورت معنایي آن ارتباط مي دهند . در این ارتباط و در مقایسه ي نحو دوزبان فارسي و انگلیسي ساختارهاي این دوزبان در حوزه هاي زیرمورد مقایسه قرار مي گیرند .

Syntactic structures imply the devices that convey meaning and relationship. Regarding to this , the syntaxes of Persian and English are compared in the following fields :

الف – نظم و ترتیب واژگانی : هسته ی اسمی در ساختار گروه های اسمی زبان فارسی قبل از معرف قرار می گیرد در حالی که در انگلیسی جایگاه آن بعد از معرف است.

۱). Word order : The core of a noun phrase in Persian precedes the modifier while in English it succeeds the modifier .

garden flower گل باغچه

flower garden باغچه ی گل

ب – صرف کننده ها : تکواژهایی هستند که واژه را از لحاظ تعداد جنس زمان مالکیت و مقایسه صرف می کنند . نتیجه ی مقایسه ی زبان فارسی و انگلیسی در این حوزه به شرح زیر است:

۲- Inflection : Inflections are the affixes that indicate number , gender , tense genitive case and comparison . Regarding the comparison of English and Persian in this field , the results are as the following :

- در انگلیسی پسوند جمع به آن دسته از اسم هایی که پس از صفت های کمیتی جمع قرار می گیرند افزوده می شود در حالی که شکل اسم پس از این صفت ها در زبان فارسی همواره مفرد است.

A= In English , and not in Persian , the inflective plural suffix is attached to the noun standing after a plural quantitative adjective .

مثال : هفت گل seven flowers

- در زبان انگلیسی پسوند جنسیت به تدریج در حال ناپدید شدن است در حالی که این پسوند اساساً در فارسی وجود ندارد.

B= The gender inflective suffix is gradually disappearing in English while this suffix does not exist in Persian at all .

actor / actress بازیگر

-در انگلیسی شکل گذشته و صفت مفعولی افعال با قاعده باپسوند به ریشه ی فعل به دست می آید اما افعال بی قاعده تابع دستور رایج خاصی نیستند حال آنکه در فارسی صورت گذشته ی همه ی افعال اصلی با حذف / ن / از مصدر به دست می آید.

C= In English , the past form of most verbs include the suffix “ed” attached to the simple form of the verb , while in Persian , the past form of all verbs is made by the deletion of “N” from the infinitive .

jump + ed ----- p.t.----- jumped بن ماضی پرید

come -----p.t.----- came بن ماضی آمد

- مالکیت در فارسی با کسره در انتهای اسم نشان داده می شود.

D= In English , possession is indicated by “ ‘ ” or the preposition “ of “ while in Persian , possession is indicated by “ e “ attached to the noun .

Daniel’s book کتاب دانیال

در فارسی پسوندهای " تر " و " ترین " برای مقایسه تفضیلی و عالی به کار می روند .

E= In English , comparison is indicated by “er” and “more” and superlative is indicated by “est” and “most” while in Persian , comparison is indicated by “tar” and superlative by “tarin” for all words .

larger / largest بزرگتر / بزرگترین

more beautiful / most beautiful زیبا تر / زیبا ترین

ج – ارتباط با صورت : صورت صرفی فعل در مطابقت با فاعل خود در دو زبان فارسی و انگلیسی به شکل زیر است.

۳- Correlation of form : Inflection of verbs in English and Persian regarding their subjects is as the following :

صرف فعل برای فاعل های مفرد و همچنین فاعل های جمع غیرجاندار در فارسی معمولاً "با شناسه ی سوم شخص مفرد است براین اساس صرف فعل از لحاظ تعداد در فارسی با فاعل مطابقت ندارد درحالی که در انگلیسی فعل برای فاعل های جمع - چه جاندار و چه غیرجاندار- با شناسه ی سوم شخص جمع صرف می شود.

A= In Persian , verbs are inflected as for the third person singular for the plural form of the nouns denoting unhuman being , even if they are plural ,in other words , number does not influence the inflection of the verb , while in English , the verb is inflected according to the subject in number , no matter if it is human being or nonhuman being .

The list of the books which is good is on the table .

The list of the books which are good is on the table .

In the first sentence of the example , "is" relates to "the list" and in the second sentence , "are" relates to "the books". In Persian ,on the other hand , the verb is inflected singular which can cause ambiguity .

در فارسی شناسه ی مربوط به هر فاعل به شکل پسوند به فعل صرف شده در جمله وصل می شود در حالی که در انگلیسی صرف افعال برای همه ی فاعل ها – به استثنای فعل اصلی صرف شده برای فاعل سوم شخص مفرد در زمان حال ساده – یکسان است.

B- In Persian , the subject influences the verb with a subjective inflectional suffix , while in English , this suffix – except for the verbs inflected for the third person singular in simple present tense – does not exist .

I / You / We / They play .

من بازی می کنم . تو بازی می کنی . ما بازی می کنیم . آنها بازی می کنند

د – واژگان نقشی : کلمه های پرسشی در نحو انگلیسی واژگان نقشی به شمار می آیند درحالی که این کلمه ها در فارسی در گروه واژگان استفهامی قرار می گیرند.

۴- Functional words : “ Wh ” words in English syntax are considered as functional words while in Persian syntax , they are considered as question words .

Daniel came here.

Who came here ?

ه -ساختارهای معادل : جمله های موصولی در انگلیسی از تنوع ضمائر موصولی

which , who, whom , that

استفاده می کند درحالی که در فارسی فقط ضمیر موصولی " که " برای این منظور مورد استفاده قرار می گیرد.

۵- Equivalent structures : Relative clauses in English benefit a variety of relative pronouns as “who” , “whom” “which” and “what” , while in Persian, the unique relative pronoun “ ke “ is used at the beginning of the relative clauses.

و – ساختارهای غیرمعادل : قاعده ای در زبان انگلیسی وجود دارد که برای بیان یک منظوره ساخت متنوع را به پدید می آورد اما در فارسی فقط یک قاعده برای این منظور وجود دارد . یکی از نمونه های آن توزیع وجه مجهول در انگلیسی است.

۶- Unequivalent structures : A structural rule exists in English syntax which enables the expression of one meaning in three different structures , while this rule does not exist in Persian syntax .

They believe that Daniel is clever

آنها معتقدند که دانیال زرنگ است.

They believe Daniel to be clever .

Daniel is believed to be clever .

ز- نشان دارکردن سازه های جمله : هردو زبان انگلیسی و فارسی قاعده ای دارند که به کمک آن یک عملکرد را بر روی گروه های متمایز برای نشان دار کردن آنها اعمال می کنند . کاربرد این قاعده در زبان فارسی انتقال تمام سازه های اصلی به ویژه انتقال مفعول به ابتدای جمله را امکان پذیر می کند اما عملکرد این قاعده در انگلیسی محدودتر بوده و انتقال مفعول به ابتدای جمله را شامل نمی شود

V- Marking the sentence constituents: There is a rule in both English and Persian which is applied to a constituent to mark it. The application of this rule in Persian is for all the constituents – particularly the object - through their displacement to the very beginning of the sentences. In English, this rule is applied only to the adverbs of place, time and request, and not to the object.

او دیروز نامه را نوشت. He wrote the letter yesterday

دیروز او نامه را نوشت. Yesterday , he wrote the letter

نامه را او دیروز نوشت # # The letter he wrote yesterday

ح – ساختار درونی سازه ها : ارتباط درونی ساختارها با ساختار اصلی جمله در فارسی تابع نظامی متفاوت با انگلیسی است.

من و دوستم I My friend and

Λ- Internal structures of the constituents : In English and Persian , the interrelations of the internal structures follow different orders .

ط- ساختار بیرونی سازه ها : ارتباط بیرونی سازه های یک جمله با سازه های دیگر آن مطابق با اصول زیر است.

۹- External structures of the constituents : The external relations of a constituent with other constituents in a sentence follow the following principles

در فارسی می توان با توجه به شناسه ی فعل فاعل را از جمله حذف کرد اما در انگلیسی حذف فاعل از جمله عملی نیست.

A= In Persian , because of the subjective inflectional suffix , the subject can be deleted from the sentence , while in English , the deletion of the subject in a sentence is impossible .

I went to school yesterday. من دیروز رفتم به مدرسه.

Went to school yesterday. دیروز رفتم به مدرسه.

برخی از سازه های مفعول مستقیم در انگلیسی سازه ای از مفعول غیر مستقیم در فارسی هستند .

I believe them من به آنها اعتماد دارم.

(مفعول مستقیم) (مفعول غیر مستقیم)

B= Some “ direct object ” constituents in English are “ indirect object ” constituents in Persian .

برخی از سازه های قیدی در فارسی سازه ای مفعولی در انگلیسی هستند.

George lives a comfortable life جرج راحت زندگی می کند .

(سازه ی قیدی) (سازه ی مفعولی)

C= Some “ adverbial “ constituents in Persian are “ object “ constituents in English .

ط – گشتارها : در این سطح از تحلیل نحوی میزان تفاوت ساختارهای مورد مقایسه در زبان های مبدا و مقصد به تعداد گشتارهایی بستگی دارد که برای شکل گیری روساخت به ژرف ساخت اعمال شده اند

۱۰- Transformations : In this stage of syntactic analysis , the differentiation of the structures compared is considered due to the transformations applied to the deep structures to create the surface structure .

۱۱)- Intonation : Intonation refers to the music of a sentence . There are two major patterns of intonation in English and Persian: rising-falling and rising. Rising intonation is used for simple questions both in English and Persian ;in

“wh” questions , however , English uses a falling pattern of intonation while in Persian , both rising-falling and rising patterns are used .

ر- استرس : در انگلیسی تغییر جایگاه استرس در کلمه غالباً " به تغییر معنا و نقش دستوری کلمه می انجامد اما در فارسی تغییر جایگاه استرس به ندرت باعث چنین تغییراتی می شود. علاوه بر آن تغییر جایگاه استرس اصلی در واژگان یک جمله باعث نشان دار شدن آن واژه در جمله می شود.

۱۲- Stress is the rising of pitch on a syllable in a word . In English the shift of the stress usually results in a new word with a different meaning and a different part of speech , while in Persian , stress shift very rarely results in a new word . This shift sometimes causes markedness in the sentence .

John drove to school yesterday .

استرس بر John پاسخ به پرسش who خواهد بود

استرس بر school پاسخ به پرسش where خواهد بود

استرس بر yesterday پاسخ به پرسش when خواهد بود

Stress on “ John “ is an reply to the question with “ who “ .

Stress on “ school “ is a reply to the question with “ where “ .

Stress on “ yesterday “ is a reply to the question with “ when “ .

ز- مکث : منظور از مکث توقف کوتاه مدت در هنگام ادای واژگان و یا گروه های یک جمله است . مکث در هر دو زبان فارسی و انگلیسی گاهی موجب تغییر معنا می شود.

۱۳- Pause : Pause is the relative length of silence that one uses between words or group of words . Pause sometimes results in a new meaning in both Persian and English .

مثال در فارسی : بخشش ! لازم نیست اعدامش کنید

بخشش لازم نیست ! اعدامش کنید

twenty , three cent stamps

مثال در انگلیسی : بیست تمبر سه سنتی

twenty three , cent stamps

بیست و سه تمبر یک سنتی

مقایسه ی واژگان

Comparing the vocabulary items

فراگیران زبان خارجی غالباً در درک مفهوم پوشیده ای که درون واژه قرار دارد با مشکل مواجه هستند. از آنجا که این مفهوم با فرهنگ گویشوران عجین است یادگیری زبان خارجی آشنایی نسبی با فرهنگ اجتماعی آن زبان را طلب می کند. برای نمونه مفهوم کلمه ی شله زرد در فرهنگ مذهبی ایرانیان بسیار فراتراز تحت sweet soup در انگلیسی بوده و فراگیرنده نباید صرفاً" به معنای اللفظی آن بسنده کند. براین اساس مطالعه ی واژگان و ترکیب های واژگانی دو زبان در چارچوب مراحل زیر انجام می شود

Foreign language learner usually come to problems with the meanings implied in the words . Since the implied meaning is combined with the culture of the people speaking a language , familiarity with the culture of these people is necessary . As an instance , the meaning of “ shale zard “ in Persian something much more than its denotative meaning “ sweet soup “ in English ; there are some cultural aspects which have been mixed with the denotative meaning of the word . To study these aspects , the study of the words is carried through the following stages :

گربه cat

الف – مطالعه ی واژه های تکواژی مانند

A= The study of monomorpheme words like “ cat “ and “ apple “ .

blackboard تخته سیاه

text-book

کتاب درسی

ب-مطالعه واژگان مرکب مانند

B= The study of compound words like “ text-book “ and “ blackboard “ .

ج – مطالعه ي واژگان مرکب مشتق مانند school teacher

C= The study of compound derived words like “ school teacher “ .

د – مطالعه ي ضرب المثل ها مانند :هرگردي گردو نمیشه. Every thing that shines is not gold.

D= The study of proverbs like : “ Everything that shines is not gold . “

ه – مطالعه ي اصطلاحات مانند در نطفه خفه کردن burry the hatcher

E= The study of expressions like “ burry the hatcher “ .

و – مطالعه ي تركيب هاي واژگاني مانند تصميم گرفتن make a decision

The study of idioms like “ make a decision “ .

الگوهاي مقايسه ي واژگان دو زبان

Patterns to compare vocabulary items

الف – واژگان هم ریشه : دردايره ي واژگان دوزبان مورد مقايسه غالبا" واژگاني وجود دارند که از لحاظ معنا ويا تلفظ بسيار شبیه هم هستند

مثال: در door

در این ارتباط هر اندازه که واژه ی زبان دوم از لحاظ صورت و معنی شباهت بیشتری به معادل خود در زبان اول داشته باشد یادگیری آن نیز ساده تر خواهد بود . اشکال اساسی این ویژه گی درجه ی وقوع و همچنین جایگاه کاربرد آنها در دوزبان است . برای مثال واژه خنثی leg در انگلیسی بار عاطفی داشته و واژه ی هم ریشه ی معادل آن در فارسی - " لنگ " - بار عاطفی منفی دارد .

A= Cognates : There are a number of words having reasonably similar pronunciations and similar meaning in the compared languages .The assumption is that the more similar a foreign language word is in its form , meaning and distribution to navigate the native language , the easier it is to learn .One basic difficulty with cognates lies in learning the proper frequency of their use . For instance , the word "leg" is of an ordinary currency in English , while its cognate "leng" has a negative implication .

ب - هم ریشه های جعلی : کلمه هایی در دایره ی واژگان دو زبان هستند که ممکن است از لحاظ صورت با یکدیگر شبیه باشند اما از لحاظ معنایی یا اصلاً شبیه هم نیستند و یا شباهت کمی با یکدیگر دارند که این ویژه گی نه تنها به یادگیری کمک نمی کند بلکه سرعت یادگیری را نیز کاهش می دهد .

مثال : کار کار class کلاس

B= False or decepting cognates : These are words which are similar in form but may be different or only partially similar in meaning . This feature not only doesn't help learning but also may cause problems in its process .

ج - هم معنایی که در صورت واژه با یکدیگر تفاوت دارند : واژگانی هستند که از لحاظ معنی در به هر دو زبان معادل بوده اما بار معنایی آنها در هر یک از دوزبان متفاوت است . برای مثال معنی " friend دوست " دلالت بر کسی دارد که نسبت فامیلی با شخص نداشته اما از نظر عاطفی و صمیمیت به وی نزدیک است . اما از لحاظ بار معنایی این کلمه در فارسی حوزه ی گسترده تری را شامل می شود که آن را حتی تا سطح برادر ارتقا می دهد .

C= Words similar in meaning but different in form : These are the words which are in fact equivalent , but have different implications . For instance , the word

“doost” in Persian equivalented with “friend” in English refers to a person whose company, interests, and attitudes are sympathetic and to whom one is not closely related. However, in both languages the words have some further senses which are rooted in the cultures of their people.

د - کلمه هایی که معنایی غیرمعمول دارند: واژگانی از دو زبان هستند که معنایی غیرمتعارف در زبان دیگر دارند. یکی از نمونه های آن second floor و معادل آن "طبقه اول" در فارسی است. در حوزه ی معناشناسی این گروه از واژگان در دو شاخه ی "هم معنای همگرا" و "هم معنای واگرا" بررسی می شوند.

D= Words that have strange meanings : These are the group of words whose equivalents in the second language are odd. For instance, the first floor in Persian is equivalented with the second floor in American English. In the field of semantics, these words are studied under the headings of “convergence” and “divergence”.

هم معنای همگرا: شرایطی است که در آن معنای دویا چند واژه در زبان مبدا با معنای یک واژه در زبان مقصد معادل می شود.

\= Convergence : It refers to a situation in which two or more concepts in native language are equivalent to one word in the target language.

مثال

نوشیدن خوردن صرف کردن میل کردن drink

هم معنای واگرا: شرایطی است که در آن معنای یک واژه در زبان مبدا با معنای دویا چند واژه در زبان مقصد معادل می شود.

∩= Divergence : It refers to a situation where one concept in the source language may be divided into several concepts in the target language. Example :

بزرگ big, large, major, grown up, great

ه - شکل یکسان واژه ها و افعال چند کلمه ای : شرایطی است که در آن معانی کاملاً متفاوت یک یک واژه در زبان مبدا با معنای یک واژه در زبان مقصد معادل می شود.

E= Phrasal verbs and unfamiliar way of coding the meaning : Here , metaphorical extension is the case in which languages exhibit differences . Therefore , different meanings of a word are equivalented to one word in the second language .

مثال

آن چاقو کند است.
It's a dull knife

درد نامشخصی در دستم احساس می کنم .
I feel a dull pain in my hand

آن رنگ تار است.
It's a dull colour

آن کتاب خسته کننده است.
It's a dull book

او پسری خنگ است.
He's a dull boy

این شرایط بر اصطلاحات رایج در دو زبان نیز حاکم است . این اصطلاحات عموماً از یک فعل و یک جزء اضافه تشکیل می شوند که فعل آنها با همراهی جزء اضافه های گوناگون معنایی خاص را در هر اصطلاح منتقل کرده و معادل سازی جزء به جزء آن اصطلاح در زبان دیگر را غیرممکن می کند

This extention dominates over the idioms of the two languages as well . Idioms are normally composed of a verb and a particle . The verb , when accompanied with a different particle , usually denotes a different meaning. This makes the translation of the components of the idiom to grasp its meanin impossible .

مثال

نگاه کردن look	مراقبت کردن look after	جستجو کردن look for
صدا کردن call	سر زدن call on	تلفن زدن call up

و – واژگانی که معنای تلویحی متفاوتی را در دو زبان می‌رسانند : این شکل از عملکرد واژگان در سطح زبان نشان دهنده ی تفاوت های فرهنگی میان جوامع مختلف است . برای نمونه واژه ی مفهوم بیماری و ناخوشی " fat " چاق " در فارسی دلالت بر سلامتی و نشاط داشته اما معادل آن در انگلیسی است که در فرهنگ کشورهای انگلستان و pub را القاء می کند . نمونه ی دیگر آن مفهوم واژه ی امریکا دلالت بر مکانی معمولی برای خوردن مشروبات و همچنین ملاقات دوستان دارد اما در فرهنگ ایرانیان مکانی ممنوعه به شمار می آید .

F= Words with different connotations in the two languages :These words reflect cultural differences . For instance the word “chagh” in Persian indicates health and freshness , while its equivalent-“fat”-in English indicates illness . The same way , the word “pub” in English indicates a bar where the friends gather to meet and have hot drinks , and spend some time together ,but in Persian,it indicates a blamed place which is forbidden to go to .

ز – واژگانی که در جغرافیای خاص یک جامعه رواج دارند : شرایطی است که در آن گویشوران یک زبان واژگانی متفاوت را برای بیان یک منظور خاص به کار می‌برند . برای نمونه معادل "بنزین gasoline در امریکا و petrol در انگلستان

است . علاوه بر این آن دسته از ترکیب های واژگانی زبان مبدا که معادل دقیقی در زبان مقصد نداشته باشند نیز به شرح زیر در این گروه دسته بندی می شوند .

G= Geographically-restricted words : These words demonstrate the case of language varieties . For instance in Brtain ,the word “petrol” is used for the car fuel , while in the United states , the word gasoline is used . This feature reflects a combination of geographical and cultural differences .In addition to this , those group of words which do not have a precise equivalent in the second language are categorized as the following :

برخی از ترکیب ها و گروه های واژگانی زبان مقصد فقط یک واژه ی معادل در زبان مبدا دارند .

grand child نوه

son in law داماد

in the morning صبح

۱) = Some word expressions in the target language have only one word equivalent in the source language .

برخی از ترکیب ها و گروه های واژگانی زبان مبدا فقط یک واژه ی معادل در زبان مقصد دارند .

bed تختخواب اسباب و اثاث furniture کت و شلوار suit

۲) = Some word expressions in the source language have only one word equivalent in the target language .

برخی از ترکیب های واژگانی زبان مبدا از لحاظ معنای اجزای تشکیل دهنده با ترکیب واژگان زبان مقصد تفاوت دارند .

man and wife زن و شوهر توفان شدید heavy storm روزنامه Newspaper

۳) = Some word expressions in the source language differ with the target language in the components composing them .

برخی از ترکیب های واژگانی زبان مبدا از لحاظ نحوی با معادل ترکیب واژگانی زبان مقصد تفاوت دارند .

۴) = Some word expressions in the source language differ syntactically with their equivalents in the target language .

فountain pen خود نویس

ضمیر فعل

wrist watch ساعت مچی

اسم صفت

salt and pepper فلفل نمکی

اسم اسم

نظم واژگان دربرخی از ترکیب های واژگانی زبان مبدا با نظم واژگان در ترکیب های واژگانی زبان مقصد تناسب ندارد.

۵- Word order in some expressions of the source language does not adapt with the word order in the expressions of the target language .

day and night شب و روز you and I من و تو

fork and knife کارد و چنگال the boys and the girls دخترها و پسرها

معادل سازی واژگان

Word Equivalency

در تحلیل مقابله ای هر واژه در چهار سطح مورد بررسی قرار می گیرد.

In contrastive analysis every word is studied in the following stages:

الف – آوایی : این سطح به بررسی ساختار واجی واژه پرداخته و تقابل واژگان را در جانشینی واج در واج /p/ و /b/ های گوناگون مورد مطالعه قرار می دهد .

A= Phonological : This stage deals with the phonological structure of the word and studies the word contrast in the substitution of various phonemes .

It notes that , for instance , the difference between the words /pet/ and /bet/ is in the phonemes /b/ and /p/ (one feature in difference : the former voiced and the latter unvoiced .)

ب - نحوي : نقش واژه در جمله و عملکرد آن در بافت در این سطح مورد بررسی قرار می گیرد . به این ترتیب و براساس آنچه که پیشتر به آن پرداخته شد واژه پس از تحلیل ساختار نحوي از لحاظ عملکرد در جمله مورد مطالعه قرار می گیرد.

B= Syntactic : The function of the word along with its function in the context is studied in this stage .

ج - کاربردي : چگونگی استفاده از واژه در بیان مفهوم مستقیم یا انتقال معنای تلویحی آن در این سطح مطالعه می شود که در بخش تحلیل گفتمان به تفصیل مورد بحث قرار خواهد گرفت.

C= Pragmatical : The use of the word to convey a direct mean or to transfer an implied mean is studied in this stage .

د- معنایی : جنبه های معنایی واژگان در بافت در این سطح ارزیابی می شوند . واژه در این سطح از لحاظ معنایی تحلیل شده و دلالت آن بر مفهومی خاص بررسی می شود . یکی از راهکارهای این امر تجزیه ی بدنه ی اصلی معنایی واژه به ساختارهای کوچکتر تشکیل دهنده ی آن است.

D= Semantics : Semantic aspects of the words in contexts are studied in this level . Here the word is semantically analyzed to clarify its specific implications . A procedure to this goal is to analyze the semantic features composing its meaning . For instance , the word “chase” in the sentence “the policeman chased the thief “ is composed of two semantic structures : follow and arrest . These two features have mixed to make the meaning of the word “chase” , but there is no word alone to have these both features together in Persian . Thus the way to translate the word is first to analyze the word into its semantic features and second , to collocate their equivalent meanings . Sometimes , however , the rule due to which the word has been made in the source language does not exist in the target language .

گاهی اوقات هر دو زبان از قواعدی بهره می‌گیرند که دامنه‌ای معین و محدود داشته و نمی‌توان آن را تعمیم داد.

And sometimes , both languages have rules with restricted domains which can not be generalized .

مثال :

popular + ize ----- popularize

similar + ize ----- ## similarize (simulate)

باز + کردن ----- باز کردن

(بسته + کردن ----- ## بسته کردن) بستن

براین اساس هنگام ساخت معادل برای واژه در هر دو زبان باید محدودیت دامنه‌ی عملکرد این قواعد را مورد توجه قرارداد.

Therefore these restrictions should be noted when making word equivalents .

تحلیل گفتمان

Discourse Analysis

موضوع تحلیل گفتمان مطالعه و بررسی زبان در حوزه‌ی جامعه‌شناسی زبان است و در این راستا نشانه‌های زبان شناختی از جمله اطلاعات گوینده از دانسته‌ها و اعتقادات شنونده اندیشه‌ها و عواطف آنها در شرایط گفتمان فرهنگ اجتماعی طرفین گفتگو و همچنین دانسته‌های مشترک آنها مورد توجه قرار می‌گیرد . تحلیل گفتمان در حوزه‌ی زبان‌شناسی در دوزیر شاخه‌ی زبان‌شناسی رمز و زبان‌شناسی انسانی مطالعه می‌شود.

The subject of discourse analysis is the study of language in the field of sociolinguistics . Here , regarding the social status of the sides of speech and their common knowledges , linguistic signals including the speakers' knowledges about the presuppositions as well as their emotions and thoughts

are considered in the conversation situation . In linguistics , discourse analysis is viewed in two fields : “code linguistics” and ” human linguistic “.

زبان‌شناسی رمز : رویکرد این شاخه به زبان به عنوان یک نظام انتزاعی است که در آن توانش زبانی از دیدگاه اجزای آن به ویژه واژگان نحو معنانشناسی و واج شناسی بررسی می شود.

Code linguistics : It deals with language as an abstract system and is involved with competence distinguishing separated components of language such as syntax , semantics , phonology , and lexicon .

زبان‌شناسی انسانی : رویکرد این شاخه به زبان به عنوان یک نظام عینی است که در آن توانش زبانی در حوزه ی کنش زبانی پاسخ به پرسش هایی همچون : " چه کسی با چه کسی صحبت می کند ؟ طبیعت این گفتگو چیست؟ چه وقت و در کجا انجام می شود؟ " را بررسی کرده و برداشت شنونده از گفته های گوینده و به بیان کلی تر تعامل گوینده و شنونده در شرایط معین را مورد ارزیابی قرار می دهد . براین اساس جنبه های ارتباطی زبان در این شاخه از توجه بیشتری نسبت به صورت های تفکیک شده زبانی برخوردار هستند . نمونه ی این مطلب پرسش زیر و پاسخ های مربوط به آن است.

Human linguistics : It deals with communicative competence , considering questions such as “Who is speaking to whom?” ,”When?” , “Where?” , “What activities are they involved in?” ‘What is the aim of communication?’ This sense of linguistics stands within the domain of pragmatics which deals with communicative competence . Human linguistics tries to describe how the speaker implements his communicative intentions , how the hearer deciphers the speaker’s intentions , and how these interact in particular situations of communication . Therefore , the communicative aspect of language is of a higher attention in this sense . An instance for this is the following question and the answers to it :

پرسش – چرا به دوستت تلفن نمی زنی ؟

Why don't you call up your friend?

چون تلفن ندارم

Because I don't have a telephone.

پیشنهاد خوبی است

That seems a good idea.

پاسخ اول جمله ی پرسش را صرفاً" به عنوان یک سوال در نظر می گیرد که در آن قید علت مورد استفهام قرار گرفته است اما پاسخ دوم جمله ی پرسش را در سطح کنش ارتباطی و به عنوان یک پیشنهاد در نظر گرفته است.

The first answer takes the sentence as a simple question in which the adverb of reason is requested ; the second answer on the other hand , takes the speech act into consideration and considers it as a suggestion .

همانگونه که در مثال بالا مشاهده می شود اگر چه ارتباط تنگاتنگی میان نقش های زبانی و صورت های خاص زبانی وجود دارد اما مطالعه ی شباهت ها و تفاوت های زبانشناختی زبان ها در الگوی رویکرد مخاطب محور اهمیت بسزایی دارد . در این الگو عناصر زبانی اجزایی به شمار می آیند که برای پیشبرد گفتمان به جنبه های شفاهی آن وابسته هستند . پارامترهای دیگری نیز که در این فرایند گفتمان مورد توجه قرار دارند عبارتند از: راهکارهای مورد استفاده ی طرفین در پیشبرد گفتمان و نمودهای زبانشناختی برای شناخت این راهکارها همراه باتشخیص شاخصه های معنایی.براین اساس جمله در ارتباط بامنتی که در آن به کار رفته است مورد بررسی قرار می گیرد . در این راستا آشنایی با پاسخ پرسش هایی از جمله " مردم چگونه زبان را به کار می برند ؟ رابطه ی بین طرفین گفتگو چگونه است ؟ جایگاه اجتماعی آنها کجاست ؟ معنای تلویحی و پوشیده چگونه در جمله حاجی داده شده اند ؟ گفتگوی آنها در شرایط گوناگون چه الگویی را رعایت می کند ؟ آهنگ و نواخت جمله ها چه عملکردی دارند ؟ " بررسی کننده را در تحلیل گفتمان یاری خواهد کرد. برای مثال تحلیل گفتمان جمله ی زیر تحت شرایط مختلف به شرح زیر خواهد بود.

As indicated in the example, close relationship between language functions and language forms prove the vitality of the linguistic study of similarities and differences of languages in a participant-oriented approach . In this approach , language elements are considered as components which are dependent upon the oral aspects of the language to develop the discourse . There are other parameters to be noted in this approach , too ; ie. the procedures used by the two sides to develop the discourse along with the linguistic signals to distinguish these procedures and the semantic features . According to this notation , the sentence is analyzed inside the context it is used in . Questions like " How do the people use the language ? " , " How is the interaction of the two sides ? " , " What is their social status ? " , " How are the implications implied in the sentence ? " , "

What pattern does their speech follow in various conditions?" , and " What is the function of the intonation of the sentences ?" helps the researcher in the discourse analysis.

As an instance, the analysis of the following discourse in various conditions goes as the following:

You are not going out .

تو بیرون نمی ری .

a) You must not go out(prohibiting)

تو نباید بیرون بری امر

b) No, you are not going out (confirming)

نه تو اصلاً " بیرون نمی ری تاکید

c) So, you are not going out(threatening)

پس تو بیرون نمی ری تهدید

d) You are not going out ! (expressing surprise)

تو که بیرون نمی ری ابراز تعجب

e) (I'm informing you) You are not going out (stating)

(اجازه نداری) تو نمی ری بیرون (ممانعت)

بنابراین تحلیل گفتمان جمله ی بالا وابسته به شرایط خاصی است که جمله در آن بیان شده است.

Therefore the analysis of the sentence above is dependent upon the condition which it has occurred in.



در کانال تلگرام کارنیل هر روز انگیزه خود را شارژ کنید 😊

<https://telegram.me/karnil>

